



بیانات در دیدار هزاران نفر از زنان و دختران - 6 دی / 1402

بسم الله الرحمن الرحيم (1)

و الحمد لله رب العالمين و الصلّاة و السّلام على سيّدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمّد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيّما بقيّة الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید خانمهای عزیز، خواهران، دختران، فرزندان خود من؛ همه‌ی شما فرزندان ما هستید، و سازندگان ایران فردا، دنیای فردا، شماها هستید. این جلسه، جلسه‌ی خیلی پرمغز و مفیدی بوده تا این لحظه. من تشکر میکنم از همه‌ی کسانی که برنامه اجرا کردند. از این دختران عزیزی که سرود خواندند تشکر میکنم؛ هم سرودشان خوب بود - یعنی مضمون شعر خوب بود - هم آهنگشان خوب بود و بسیار خوب اجرا کردند. از قاری محترم تشکر میکنم. از مجری محترم و خوش‌بیان و خوش‌زبان تشکر میکنم. از همسران شهدا، مادران شهدا، فرزندان شهدا که در این جمع حضور دارند، صمیمانه تشکر میکنم و به همه‌ی آنها اظهار ارادت میکنم. از خانم زکراکی که اینجا صحبت کردند، من تشکر میکنم. ایشان مادر شش شهیدند؛ سه پسرشان در یک حادثه، سه پسر دیگرشان در یک حادثه [دیگر] به شهادت رسیدند و این زن مثل کوه صبر کرده و مدتها زندان و سختی‌های فراوان را تحمل کرده. از آن خانم فلسطینی (۲) که اینجا ویدئوشان را مشاهده کردیم، تشکر میکنم؛ از کسانی که دست‌اندرکارند میخواهم که تشکر ما را به ایشان برسانند و خداقوت بگویند و بگویند که من همیشه، هر شب، مرتباً برای آنها دعا میکنم.

مطالبی که در اینجا مطرح شد مطالب بسیار خوبی بود؛ یعنی واقعاً اگر من الان هیچ صحبتی نکنم و به همان حرفهایی که این خانمها اینجا زدند اکتفا کنیم، این جلسه بهره‌ی خودش را برده؛ هم در مورد ورزش، هم در مورد مسائل حقوقی زنان، هم در مورد هنر دینی، هم در مورد نگرانی از تهدیدهای فضای مجازی و هوش مصنوعی، هم برای مسئله‌ی نخبگان کشور در بخشهای مختلف و برنامه‌ریزی برای آنها، هم قدردانی از مادران و زنان خانه‌دار، هم آنچه در مورد وضع بد فضای مجازی گفته شد، هم در مورد پزشکان زن و رعایت مریضهای زن در بیمارستان‌ها، همه‌ی این مطالبی که گفته شد مطالب درستی بود. گله‌گزاری‌ها و شکوه‌ها و احیاناً پیشنهادهای ما باید به ما داده بشود؛ کار ما نیست، کار مسئولین دولتی است، اما درعین حال ما سفارش میکنیم، تأکید میکنیم و از مسئولین میخواهیم که اینها را ان شاء الله دنبال کنند؛ امیدواریم که این اتفاق بیفتد.

این جلسه به مناسبت نزدیکی ایّام ولادت صدیقه‌ی کبری فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) تشکیل شده؛ من چند جمله در مورد ایشان عرض میکنم، بعد هم مطالبی را در مورد مسئله‌ی زن یادداشت کرده‌ام، به قدری که حالا وقت باقی مانده، مختصراً عرض میکنم.

در مورد حضرت سیّدۀ نساء العالمین، سیّدۀ نساء اهل الجنّة - که درباره‌ی فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) وارد شده - هر کدام از مطالبی که چه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، چه امیرالمؤمنین (علیه الصلّاة و السّلام)، چه بقیّه‌ی ائمّه درباره‌ی این بزرگوار گفته‌اند، همه شاهد عظمت غیر قابل اندازه‌گیری این بانوی عظیم الشان است؛ یعنی واقعاً عظمت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) را با هیچ انسانی، جز همان اهل بیت پیغمبر و خود رسول الله و اولادش نمیشود مقایسه کرد؛ مقام ایشان خیلی عظمت دارد. من فقط یک حدیث را عرض میکنم که خب بارها



شنیده‌اید؛ حدیثی است که هم شیعه نقل کرده، هم سنی نقل کرده. آن [حدیث] این است که «إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا»؛ (۳) برای سَخَط و خشم فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) خدای متعال خشمگین میشود، و به خاطر خشنودی فاطمه‌ی زهرا خدای متعال خشنود میشود. معنایش این است که هر انسانی، هر مسلمانی، اگر بخواهد خدا را خشنود بکند، باید کاری بکند که فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) را خشنود کند. توصیه‌های آن بزرگوار، درسهای آن بزرگوار، جهت‌گیری آن بزرگوار، عواطف آن بزرگوار، اگر ملاحظه شد، رعایت شد، مراعات شد، خدای متعال خشنود میشود. بالاتر از این، واقعاً چه فضیلتی انسان میتواند فرض کند برای یک انسان، چه زن و چه مرد؟

به نظر من، زن مسلمان الگویی بهتر از فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) نمیتواند پیدا کند، [بلکه] هیچ زنی در دنیا نمیتواند الگویی بهتر از او پیدا کند. چه در دوران کودکی‌اش، چه در دوران نوجوانی‌اش، چه در دوران جوانی‌اش، چه در خانواده، چه رفتارش با پدر، با همسر، با فرزندان، با کارگر داخل خانه‌اش، چه رفتارش در عرصه‌ی اجتماع، در مسئله‌ی سیاست، در مسئله‌ی خلافت؛ یعنی همه‌ی اینها الگو است. و مهم این است که همه‌ی این عظمتها، همه‌ی این فعالیتها، همه‌ی این سرمشقها، در یک عمر کوتاه انجام گرفته: حداکثر ۲۵ سال؛ سن فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) را از ۱۸ سال تا ۲۵ سال نقل کرده‌اند. این الگو است؛ دختران ما، زنان ما، بانوان عزیز جامعه‌ی اسلامی ما سعی کنند با همین روحیه، با همین انگیزه دنبال فاطمه‌ی زهرا حرکت کنند؛ هم در امر خانه‌داری، هم در امر فعالیت اجتماعی و سیاسی، هم در حکمت و دانش – که البته در مورد آن بزرگوار الهام الهی بود، در مورد ما و شما کسب کردنی است؛ شما که تلاش بکنید، البته الهام الهی هم کمک خواهد کرد – در همه‌ی بخشها آن بزرگوار را الگو قرار بدهید و قرار بدهیم و دنبال کنیم. این چند جمله راجع به آن بزرگوار. و اما درباره‌ی مسئله‌ی «زن». خب، شماها بحمدالله همه دانا و تحصیل کرده و مطلع از مسائل گوناگونی هستید که در اسلام در مسئله‌ی «زن» مطرح است؛ خیلی نیازی نیست که من بگویم، در عین حال چند جمله‌ای من عرض میکنم.

در مسئله‌ی «زن»، هم بحث هویت زنانه و هویت زن، هم ارزشهای زن، هم حقوق زن، هم تکالیف زن، هم آزادی‌های زن، هم محدودیتهای زن، هر کدام موضوع مسائل بسیار مهم و تعیین‌کننده است. امروز با نگاه کلی که به دنیا نظر کنیم، [می‌بینیم] دو جهت‌گیری، دو رویکرد، در همه‌ی این زمینه‌ها وجود دارد: یک رویکرد، رویکرد رایج متداول غربی است که در کشورهای غیر غربی هم رواج پیدا کرده – در همه‌ی زمینه‌هایی که ذکر کردم – یک رویکرد هم رویکرد اسلامی است؛ این دو در مقابل هم قرار دارند، دو جریانند و هر کدام در پاسخ به این مسائل و سؤال در مورد این مسائل نظری دارند. [لذا] میتوان در همه‌ی این زمینه‌ها بحث کرد و به پاسخ رسید، منتها یک نکته‌ای در اینجا وجود دارد که این نکته به نظر من نکته‌ی قابل توجهی است و آن، این است که نظام فرهنگی و تمدنی غرب، در این مسائل حاضر به مباحثه نیست، از ورود در بحث و تحقیق فرار میکند. فرهنگ غربی، نظام غربی – نظام تمدنی و نظام فرهنگی غربی – در مورد بسیاری از سؤالات در این زمینه‌ها جلو نمی‌آید که بحث بکند؛ مسئله را با جنجال و هوچی‌بازی و استفاده‌ی از هنر و سینما و زور و فضای مجازی و مانند اینها پیش میبرد؛ آن نظر خودش را، رویکرد خودش را – منطقی که ندارند – با ابزارهای مختلفی که در اختیار دارد پیش میبرد؛ حاضر نیست بحث کند، حاضر نیست به سؤالاها جواب بدهد. علت هم این است که غرب هیچ منطقی ندارد؛ این رفتار روزبه‌روز بدتر و سخیف‌تری که امروز در زمینه‌ی مسائل زن، در غرب رایج است و به تبع غرب در بسیاری از کشورهای دیگر، هیچ منطقی پشت سرش نیست؛ لذا وارد بحث نمیشوند، حاضر نیستند منطقی ارائه کنند.

چرا در محیط‌های غربی، روزه‌روز بی‌مبالاتی زن در حفظ حرمت و شخصیت زنانگی خودش بیشتر میشود و حرمت زن روزه‌روز بیشتر شکسته میشود؟ چرا در مجالس رسمی‌ای که در اروپا و در آمریکا برگزار میشود، زن میتواند حتی با پوشش نیمه‌عریان در این جلسات رسمی شرکت کند اما مرد بایستی با لباس کامل، کراوات هم بزند یا پاپیون هم بزند و شرکت کند؟ چرا؟ چرا زن آن‌جا میتواند بیاید، [اما] اگر چنانچه مرد در مجالس رسمی مثلاً فرض کنید با شلوارک بیاید، خلاف آداب عمل کرده؟ علت چیست؟ زن با مینی‌ژوپ بیاید اشکال ندارد، اما اگر لباس این [مرد] یک خرده سبک باشد اشکال دارد؛ چرا؟ چرا در محیط‌های غربی روزه‌روز فحشا و روسپی‌گری بیشتر دارد ترویج میشود؟ این اتفاق دارد می‌افتد. چرا هم‌جنس‌بازی به عنوان یک شیوه‌ی متمدنی شناخته میشود که اگر کسی انکار کرد، به عنوان یک فکر عقب‌افتاده، یک شخص عقب‌افتاده، یک ملت عقب‌افتاده تلقی میشود؟ چرا؟ هم در محیط‌های سیاسی ترویج میشود، [هم در] محیط‌های اجتماعی ترویج میشود؛ رؤسای جمهور، مسئولان کشورها آن را ترویج میکنند و بعضی‌ها افتخار میکنند که ما این‌جوری هستیم! چرا؟ این چه منطقی دارد؟ چرا در محیط‌های بی‌مبالات غربی، مسائل جنسی سه‌جانبه یا چهارجانبه – طبق آمارهایی که خودشان میدهند و اطلاعاتی که در اختیار ما هست و میدانیم؛ اطلاعات پنهانی نیست، اطلاعات آشکار است – روزه‌روز افزایش پیدا میکند؟ همه‌ی چیزهایی که خانواده را منهدم میکند، روزه‌روز در غرب دارد افزایش پیدا میکند. همه‌ی این چیزها منهدم‌کننده‌ی اساس خانواده است؛ آزادی جنسی و افراط در گسترش تعرضات جنسی، خانواده را منهدم میکند. من چند سال قبل از این، (۴) از کتاب یکی از رؤسای جمهور آمریکا (۵) نقل کردم؛ آمارها به معنای واقعی کلمه وحشت‌زا است؛ آمار تعرضات جنسی، آمار بی‌بندوباری‌ها. و تعرض جنسی مجازات ندارد، مجازات نمیشوند، اما حجاب مجازات دارد! یک ردلی، یک لاتی، یک زن باحجاب را آزار بدهد، بعد به دادگاه کشیده بشود، در دادگاه آن زن را چاقو بزند و بکشد، این اشکالی ندارد! (۶) حالا مثلاً یک مدتی زندانی به آن آدم ردل میدهند، اما این مبارزه‌ی با حجاب و مقابله‌ی با حجاب مطلقاً به عنوان یک کار زشت تقبیح نمیشود؛ چرا؟ اینها سؤالات بی‌جواب است، اینها را جواب نمیدهند، [چون] منطقی وجود ندارد. از یک ایرانی، مثلاً یک مسئول ایرانی که در فلان مجمع بزرگ اروپایی یا آمریکایی شرکت کرده، میپرسند آیا شما با هم‌جنس‌بازی موافقید، اگر بگویند نه، او را هُو میکنند! علتش چیست؟ این چه منطقی دارد؟ پاسخی وجود ندارد؛ یعنی غرب برای رفتار خودش با مسئله‌ی «زن» و مسائل مربوط به زن و آن رفتاری که نسبت به جامعه‌ی زنان دارد انجام میگیرد، هیچ منطقی پشت سر کارهایش نیست و لذاست که از بحث، از گفتگو، از مباحثه در این زمینه‌ها فرار میکنند.

عرض کردم که رویکرد خودشان را با ابزارها پیش می‌برند، در این کارها هم قشنگ واردند: فیلم درست میکنند، کتاب مینویسند، مقاله مینویسند، پول میدهند، شخصیت‌های هنری، فرهنگی و سیاسی و غیره را وادار میکنند که حرف بزنند؛ مراکز بین‌المللی را درست میکنند – مراکز مربوط به زنان – و این سازمانهای به‌اصطلاح بین‌المللی هر کشوری را که با رویکرد آنها مخالف باشد، نمره میدهند، داوری میکنند و در قعر جدول قرار میدهند.

خب، حالا حرف در این زمینه‌ها زیاد است و بنده هم در این مقوله‌ها خیلی صحبت کرده‌ام. دیروز یک کتابی برای من آوردند که صحبت‌هایی بود که خود بنده کرده بودم، چاپ شده بود، ندیده بودم؛ نگاه کردم دیدم خیلی از حرفهایی که آماده کرده بودم و میخواستم امروز اینجا بگویم، در آن کتاب هست و قبلاً بارها گفته شده؛ در این زمینه‌ها زیاد صحبت کرده‌ایم. من در یک کلمه عرض میکنم که خلاصه‌ی حاصل و ملخص سیاست و رویکرد تمدن غربی در مبحث بسیار مهم و حیاتی «زن»، در دو عامل خلاصه میشود: «سودجویی» و «لذت‌جویی» که حالا هر کدام یک شرحی دارد. راجع به همین «سودجویی» هم من یک وقتی صحبت کرده‌ام که حالا دیگر مجال نیست حرف بزنم. خب،



این برخورد غرب در مسئله‌ی «زن» است.

برخورد اسلام درست بعکس است؛ برخورد اسلام برخورد منطقی است، برخورد استدلالی است، بیان واضح و روشن است در این زمینه. مسئله‌ی «زن»، در اسلام، یکی از نقاط قوت اسلام است؛ این را به شما عرض بکنم. بعضی خیال نکنند که ما درباره‌ی مسائل مربوط به زن باید بنشینیم پاسخگو باشیم؛ نه، اسلام در همه‌ی بخشهای مربوط به زن، منطق محکم و قوی و پشتوانه‌ی عقلانی دارد؛ چه آنجایی که مسئله‌ی جنسیت را نفی میکند، چه آنجایی که مسئله‌ی جنسیت را برجسته میکند، در همه‌ی اینها منطق وجود دارد.

اسلام در یک مواردی بکلی جنسیت را نادیده میگیرد؛ بحث، بحث زن و مرد نیست، مسئله‌ی کرامت انسان است؛ وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ؛ (۷) اینجا مسئله‌ی جنسیت مطرح نیست. ارزشهای انسانی در زن و مرد یکسان است و در نسبت ارزشی او با جنس مرد، مطلقاً جنسیت مطرح نیست: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (۸) تا آخر؛ «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَائِتِينَ وَالْقَائِتَاتِ» (۹) تا آخر آیه‌ی سوره‌ی احزاب. همه‌ی اینها پیش خدای متعال در مراتب عروج معنوی یکسانند؛ یعنی مطلقاً نه این بر او ترجیح دارد، نه او بر این ترجیح دارد؛ هر دو با استعداد مشابه در این راه قرار داده شده‌اند و به همتشان بستگی دارد؛ زنهایی هستند که هیچ مردی به پای آنها نمیرسد. بنابراین، جنسیت مطرح نیست.

البته در همین زمینه‌های معنوی، یک جاهایی بالخصوص و به دلیل خاص، خدای متعال جنس زن را ترجیح داده؛ مثل همین آیه‌ای که تلاوت کردند: وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ. (۱۰) در قضیه‌ی حضرت موسی، انسانهایی هستند که در رابطه‌ی با موسی بالخصوص نام برده شده‌اند و ذکر خاص شده‌اند؛ جناب هارون هست، حضرت خضر هست، آن رفیق و همراه حضرت موسی هست؛ چند نفر هستند که به طور خاص در قرآن از آنها یاد شده، اما در مورد هیچ کدامشان این تعبیر به کار نرفته که الگو است؛ «مثل» یعنی نمونه و الگو. خدای متعال برای همه‌ی انسانهای مؤمن دو زن را الگو قرار داده؛ یکی زن فرعون است، یکی حضرت مریم است؛ وَ مَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَتْ فَرْجَهَا. (۱۱) خب اینجا خدای متعال به دلیلی خود موسی را به عنوان مثل و نمونه‌ی مؤمنین ذکر نکرده، زن فرعون را – که نامادری حضرت موسی است – ذکر کرده؛ خود حضرت عیسی را ذکر نکرده، مادر او را ذکر کرده. این یک نوع ترجیح دادن و رجحان دادن زن است، به دلایلی، که دلیلش هم به نظر من روشن است؛ چون در جنس مرد، به خاطر شرایط مادی و جسمانی‌ای که دارد و خصوصیات که وجود دارد، یک حالت برتری طلبی‌ای هست؛ بالخصوص در دورانی که قرآن نازل شده، این جوری بوده؛ خدای متعال میخواهد این را نفی کند؛ این حرفها چیست؟ چون مثلاً صدایش کلفت‌تر است، چون قدش بلندتر است، چون چهارشانه‌تر است، ارزشش بیشتر است؟ نه، بایستی از همین زن، از این بانو پیروی کند و او را الگوی خودش قرار بدهد. یا در یک روایتی [هست که] یک مردی می‌آید پیش پیغمبر و عرض میکند: مَنْ أَبْرَّ؟ بیشتر به چه کسی نیکی کنم؟ حضرت میفرماید: امّک؛ (۱۲) به مادرت. بعد میپرسد بعدش چه کسی؟ پیغمبر میفرماید بعدش هم مادرت؛ دفعه‌ی سوّم میپرسد خب حالا بعدش چه کسی؟ باز میگوید مادرت؛ یعنی سه بار پیغمبر مادر را میگوید. بعد آن پسر میپرسد بعدش چه کسی؟ میگوید بعد پدرت؛ یعنی مادر سه مرتبه جلوتر از پدر است. خب، این نشان‌دهنده‌ی جایگاه زن در خانواده است دیگر؛ این برای تأکید این معنا است. یعنی این را میخواهم بگویم که در سلوک معنوی، در عروج معنوی و الهی، در ارزشهای واقعی انسانی، جنسیت هیچ‌گونه نقشی ندارد، مگر یک مواردی ترجیح یکی بر دیگری که این هم ترجیح زن بر مرد است؛ تا آنجایی که من دیده‌ام، غیر از این موردی را ندیده‌ام. اینجا آن جاهایی است که جنسیت منتفی است.



در اصل مسئولیتهای اجتماعی هم همین جور است. امام (رضوان الله علیه) در یک جایی گفتند که دخالت در سیاست و در مقدرات اساسی کشور وظیفه‌ی زنان و تکلیف زنان است؛ حقّ زنان و تکلیف زنان است؛ (۱۳) یعنی واجب کردند که زنها بایستی در مقدرات کشور و وظایف اساسی کشور دخالت کنند و وارد بشوند، که خب خود این یک فصل طولانی‌ای دنبالش دارد؛ یعنی در این زمینه‌ها بین زن و مرد هیچ تفاوتی وجود ندارد.

در پرداختن به امور جامعه: مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ (۱۴) اینکه فرمودند «لَيْسَ بِمُسْلِمٍ»، یعنی چه زن باشد، چه مرد باشد. شما صبح که می‌کنید، زن خانه‌دارید، زن کارمندید، زن شاغلید، زن صنعتگرید، هر کاری می‌کنید، باید به فکر جامعه باشید؛ یعنی اهتمام داشته باشید که جامعه در چه وضعی است. حالا چقدر بتوانید کمک کنید و نقش ایفا کنید، این فرق می‌کند؛ افراد هر کدام یک نقشی میتوانند ایفا کنند، اما این اهتمام همگانی است؛ این پرداختن، اهتمام داشتن، به فکر بودن، همگانی است. در اینجا هم جنسیت نقشی ندارد. یا همین «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ»؛ (۱۵) این خانمی که الان صحبت کردند، گفتند که ما در قضیه‌ی فلسطین و در قضیه‌ی غزه راهمان بسته است، والا میتوانستیم بیاییم. حالا مثلاً فرض کنید این خانم که پزشک است، میتواند آنجا باشد و به معالجه‌ی بیماران، مجروحین، کودکان و زنان بپردازد. هر کسی یک نقشی دارد، اما اصل این اهتمام، اصل این وظیفه و احساس مسئولیت، عمومی است، زن و مرد ندارد. اسلام اینها را مشخصاً بیان کرده؛ اینها چیزهایی است که در اسلام روشن است و اینها را بیان کرده.

اما در وظایف خانوادگی، البته نه؛ در وظایف مربوط به خانواده وظایف یکسان نیست، هر کدام یک نوع وظیفه‌ای دارند. امکانات، ظرفیتهای جسمی، ظرفیتهای روحی، به هر کدام یک وظیفه‌ای را محوّل میکند؛ اینجا جنسیت نقش دارد. اینکه شعار «برابری جنسیتی» به طور مطلق میدهند، غلط است. برابری جنسیتی در همه جا [معتبر] نیست؛ در یک جاهایی بله، برابری هست، اما در یک جاهایی هم برابری نیست، و نمیتواند باشد. آنچه درست است «عدالت جنسیتی» است؛ «عدالت جنسیتی» در همه جا معتبر است. «عدالت» یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن. ساخت روحی زن، ساخت جسمی زن، ساخت عواطفی زن، اقتضای یک مسائلی را میکند. فرزندآوری، فرزندداری و دامان پرورش فرزند، کار زن است؛ از مرد این کار برنمی‌آید، و خدای متعال او را برای این کار خلق نکرده؛ او برای یک کار دیگر است؛ کار بیرون خانه، کار [رفع] مشکلات خانه. اما در حقوق خانوادگی یکسانند: وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ (۱۶) یعنی همان قدر که مرد در خانواده حق دارد، زن همان اندازه در خانواده حق دارد؛ این آیه‌ی قرآن است. پس در حقوق خانوادگی یکسان، اما در وظایف خانوادگی نه. البته یک چیزهایی هست که بایستی در مورد زن بیشتر رعایت بشود که در صحبت‌های این خانمها هم بعضی بود، من هم یادداشت کرده‌ام.

[مثل] مسئله‌ی امنیت زنان؛ امنیت در درون خانواده. زن بایست در کنار مرد احساس آرامش کند، احساس امنیت کند؛ چهاردیواری خانه محلّ آسایش و امنیت است. اگر رفتار شوهر جوری باشد که زن را از این احساس امنیت محروم کند، زن احساس ناامنی کند، شوهر بدهنی کند یا بسیار بدتر و فجیع‌تر، دستش را به کار بیندازد، این مطلقاً قابل قبول نیست. راهش چیست؟ راهش قوانین سخت است؛ من بارها این را گفته‌ام. (۱۷) باید قوانین سختی [وضع شود]. اشاره‌ای کردند به قانونی که در مجلس هست؛ خب اینها حتماً باید دنبال بشود. ما هم سفارش میکنیم، شماها هم خودتان دنبال کنید. بایستی مجازات سختی متوجه مردی بشود که در داخل خانه برای زن محیط ناامن به وجود می‌آورد؛ در بیرون خانه هم همین جور. این، یک مسئله.

یک مسئله، مسئله‌ی مشاغل اجتماعی و مدیریتهای است که این را بعضی از خانمها از من سؤال کردند. اینجا هم مسئله‌ی جنسیت مطرح نیست. در مدیریتهای گوناگون، مشاغل گوناگون اجتماعی و دولتی، حضور زنان هیچ محدودیتی ندارد. حالا مثلاً فرض کنید آمریکایی‌ها به یکی از این کشورهای همسایه‌ی ما الزام کرده بودند که بایستی زنها در محیط اداری مثلاً ۲۵ درصد حضور داشته باشند؛ الزامی، اجباری؛ غلط است. چرا ۲۵ درصد؟ خب ۳۵ درصد، خب ۲۰ درصد. این عدد معین کردن، نسبت معین کردن، معنی ندارد؛ اینجا ملاک، شایسته‌سالاری است. یک جا هست که یک بانوی باسواد مجرب کارآمد مثلاً برای وزارت بهتر از این مردی است که در این زمینه نامزد وزارت شده؛ این زن باید وزیر بشود. در مورد نمایندگی مجلس هم همین جور است. مثلاً فرض کنید در فلان شهر، یک نفر یا دو نفر نماینده‌ی مجلس لازم است؛ یک نفر یا دو نفر زن، یک نفر یا دو نفر مرد معین شده‌اند، [باید دید] کدام شایسته‌ترند، باید شایستگی را نگاه کرد. هیچ ترجیحی اینجا وجود ندارد، هیچ محدودیتی هم در این زمینه‌ها وجود ندارد؛ یعنی نظر اسلام این است. بحث، بحث شایسته‌سالاری است.

البته زن در این مشاغل میتواند حضور پیدا کند، اما بایستی جوری باشد که از آن مشغله‌ی مهم اساسی زنانه، یعنی خانه‌داری و فرزندآوری، محروم نشود؛ حتی در بعضی از مشاغل که برای زنان واجب کفائی است، مثل پزشکی. پزشکی زنان واجب است؛ تا حدی که پزشک زن به قدر کفایت وجود داشته باشد، باید زنها پزشکی بخوانند. همچنین مثلاً معلمی بانوان یک واجب کفائی است. خب حالا ممکن است یک وقتی این واجب کفائی [تعارض پیدا کند] با مسئله‌ی خانه‌داری یا فرزندآوری یا استراحتها و مرخصی‌هایی که برای یک زن خانه‌دار لازم است یا ساعات کاری که او بتواند کار را انجام بدهد و مثلاً به کار خانه هم برسد؛ اگر چنانچه در این زمینه‌ها تعارضی به وجود آمد، مسئولین کشور هستند که بایستی برای این فکر کنند؛ یعنی آن قدر تعداد را افزایش بدهند که اگر چنانچه این معلم که مثلاً فرض کنید بایستی در هفته پنج روز در مدرسه شرکت کند، من باب مثال چهار روز میتواند شرکت کند، خلأ به وجود نیاید؛ معلم دیگری وجود داشته باشد که آن خلأ را پر کند؛ همین‌طور مسئله‌ی پزشکی. بنابراین، در مشاغل، در مدیریتهای، در کارهای اساسی، در کارهایی که واجب کفائی برای زنان است، محدودیتی وجود ندارد و اگر چنانچه تعارضی با کارهای خانگی زنانه به وجود آمد، باید به یک نحوی این را حل کرد که نه این زمین بماند، نه آن. البته به نظر بنده منافات هم ندارند؛ من می‌شناسم بانوانی را که کارهای اجتماعی سنگین داشتند – چه کار دانشگاهی و علمی، چه کارهای غیر علمی – چندین فرزند هم بزرگ کردند، تربیت کردند، خیلی هم خوب توانستند این کار را انجام بدهند. بنابراین، اینها منافاتی با همدیگر ندارند.

دو نکته‌ی مهم در نگاه اسلام هست؛ یعنی اینکه عرض کردیم راه باز است برای بانوان در همه‌ی زمینه‌ها – فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و غیره – در کنار دو نکته‌ی مهم است که اسلام روی این دو نکته حساس است: یک نکته مسئله‌ی خانوادگی است که اشاره کردم، یک نکته مسئله‌ی خطر جاذبه‌ی جنسی است؛ خطر جاذبه‌ی جنسی! اسلام روی این حساس است. اسلام از اینکه محیط و فضا جوری باشد که لغزشگاه جاذبه‌ی جنسی – که یکی از لغزشگاه‌های بسیار خطرناک است – زن را یا مرد را دچار مشکل بکند، ما را پرهیز میدهد؛ باید مراقبت داشت.

و حجاب در این زمینه است؛ مسئله‌ی حجاب یکی از چیزهایی است که میتواند در خطر جاذبه‌ی جنسی محدودیت ایجاد کند؛ از این جهت در اسلام روی مسئله‌ی حجاب تأکید شده. در سوره‌ی احزاب، در دو جا، مسئله‌ی حجاب [بیان میشود]: *وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ*؛ (۱۸) کسانی که میروند خانه‌ی پیغمبر، مثلاً فرض کنید مهمانند و یک غذایی میخواهند بگیرند، با زن پیغمبر مواجه نشوند، از پشت پرده [بگیرند]؛ یعنی این دقت



شده. همچنین در آیه‌ی دیگری از سوره‌ی احزاب هم همین معنا وجود دارد.

بنابراین، این دو حساسیت باید رعایت بشود: هم مسئله‌ی حجاب بایستی به معنای واقعی کلمه رعایت بشود، هم مسئله‌ی خانواده و حضور در خانه و نقش «مادری» که مهم‌ترین نقش است. شاید بتوانم بگویم در مجموعه‌ی خلقت بشر، نقش «مادری» برترین نقشها است؛ برای خاطر اینکه اگر چنانچه «مادری» نباشد، فرزندآوری نباشد، بارداری و شیردهی نباشد، اصلاً نسل بشر منقرض میشود؛ بنابراین، «مادری» مهم‌ترین نقش در عالم خلقت و در عالم وجود مادی انسان است. اسلام به این اهمیّت میدهد؛ [شما نیز] به این اهمیّت بدهید، این را دنبال نکنید؛ آن نکته‌ی جاذبه‌ی جنسی را هم همین‌طور.

خیلی از کارها هم با تفاهم انجام میگیرد. بعضی‌ها خیال میکنند کار کردن در خانه وظیفه‌ی زن است؛ نه، وظیفه‌ی زن مطلقاً این نیست که در خانه کار کند. غذا پختن، رخت شستن، تر و تمیز کردن وظیفه‌ی زن نیست؛ مرد و زن باید با هم تفاهم کنند. حالا بعضی از مردها خوشبختانه این کارها را میکنند و در خانه کار میکنند، به زن کمک میکنند، متصدی بعضی از کارهای خانه میشوند. به‌هرحال، این جزو وظایف زن نیست؛ این را همه بدانند.

این مسئله‌ی سنّ ازدواج هم که در آثار اسلامی تأکید میشود که سنّ ازدواج خیلی بالا نرود و جوانها زودتر ازدواج نکنند، به خاطر همین مسئله‌ی جلوگیری از خطر تهدید جاذبه‌ی جنسی است. البته این به معنای ازدواج کردن کودکان نیست که حالا مطرح میکنند؛ نه، جوان، نوجوان، مرد، زن، دختر و پسر، هرچه بتوانند بوقت و بهنگام ازدواج کنند، از نظر اسلام مطلوب‌تر است و برای خودشان هم البته خیلی بهتر است، برای جامعه هم خیلی بهتر است. بنابراین، اگر به مسئله‌ی حجاب نگاه میکنیم، به عنوان یک چیزی که وسیله‌ی محرومیّت زن است نگاه نکنیم؛ این محرومیّت نیست، این در واقع یک برخورداری است؛ حجاب امنیّت‌آور است، موجب امنیّت میشود، موجب حفظ میشود.

الان در داخل جمهوری اسلامی، با اینکه ما هنوز نتوانسته‌ایم به معنای واقعی کلمه «اسلامی» بشویم – من بارها این را گفته‌ام؛ ما اسلامی نیمه‌کاره هستیم – درعین حال شما ملاحظه میکنید که پیشرفتهای زنان در همین جمهوری اسلامی، قابل مقایسه‌ی با قبل نیست؛ در علم، در تحقیق، در فعالیتهای اجتماعی، در هنر، در ورزش در همه‌ی کارها؛ این همه زن دانشمند، این همه زن استاد دانشگاه، این همه زن فاضل، این همه زن نویسنده در انواع مختلف نگارشها؛ نگارش عملی، نگارش هنری، نگارش داستان‌نویسی، شعر و امثال اینها. ما در قبل از انقلاب، یک‌دهم این را هم نداشتیم؛ بنده کاملاً در محیط اجتماعی [حضور داشتم و میدانم]. امروز بحمدالله در این زمینه‌ها کشور غنی است و این به برکت اسلام است؛ با اینکه گفتم جمهوری اسلامی همچنان یک کشور اسلامی نیمه‌کاره است و ما هنوز نتوانسته‌ایم اسلام را به طور کامل پیاده کنیم؛ اگر پیاده کنیم، این [توانایی‌ای] که امروز داریم چندین برابر خواهد شد و بمراتب بهتر خواهد شد.

من در آخر صحبت‌م اشاره کنم به مسئله‌ی انتخابات. در این قضیه‌ی انتخابات – که من چند روز قبل هم تأکید کردم روی این مسئله (۱۹) – شما بانوان و خانمهای عزیز میتوانید نقش ایفا کنید. مهم‌ترین نقش شما هم در داخل خانه است؛ مادرها میتوانند نقش ایفا کنند، وادار کنند فرزندان را و همسر را برای اینکه در زمینه‌ی انتخابات فعال باشند و درست تحقیق کنند. زنها در برخی از مسائل شناخت اشخاص و راهبردها و جریانها، دقیق‌تر و ظریف‌تر از



مردها نگاه میکنند و نقاطی را پیدا میکنند؛ [لذا] در شناخت نامزدهای انتخاباتی، در حضور در پای صندوقها، هم در داخل خانه و هم در خارج خانه میتوانید نقش ایفا کنید.

[از دیدار شما] خیلی خوشحالم؛ یک مقدار هم طول کشید و ظهر گذشت؛ ان شاء الله که همه‌ی شما موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار - که در آستانه‌ی سالروز ولادت حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) و روز زن برگزار شد - ده نفر از زنان و دختران به بیان دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خود پرداختند.

(۲) خانم اسراء البُحیسی (خبرنگار شبکه‌ی العالم) به صورت ویدئویی از غرّه مطالبی بیان کرد.

(۳) امالی مفید، ص ۹۵

(۴) بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده‌ی کشور (۱۳۹۳/۱/۳۰)

(۵) «تقاضایی برای اقدام»، نوشته‌ی جیمی کارتر

(۶) اشاره به کشته شدن مروه شربینی در تیرماه سال ۱۳۸۸؛ وی که یک زن مصری ساکن آلمان بود، توسط هجده ضربه‌ی چاقوی یک آلمانی روس تبار به نام الکس وینز، که قبلاً از وی به دلیل توهین شکایت کرده بود، در دادگاه کشته شد.

(۷) سوره‌ی اسراء، بخشی از آیه‌ی ۷۰؛ «و براستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم...»

(۸) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۷۱؛ «و مردان و زنان باایمان، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و امیدارند و از کارهای ناپسند باز میدارند...»

(۹) سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۳۵؛ «مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان باایمان، و مردان و زنان عبادت‌پیشه...»

(۱۰) سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۱۱؛ «و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، خدا همسر فرعون را مثل آورده...»

(۱۱) سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۱۲؛ «و مریم دختِ عمران را، همان کسی که خود را پاکدامن نگاه داشت...»

(۱۲) کافی، ج ۲، ص ۱۵۹

(۱۳) از جمله، صحیفه‌ی امام، ج ۶، ص ۳۰۱؛ سخنرانی در جمع بانوان قم (۱۳۵۷/۱۲/۱۳)

(۱۴) کافی، ج ۲، ص ۱۶۳ (با اندکی تفاوت)

(۱۵) کافی، ج ۲، ص ۱۶۴

(۱۶) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۲۸

(۱۷) از جمله، بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان (۱۴۰۱/۱۰/۱۴)

(۱۸) سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۵۳

(۱۹) بیانات در دیدار جمعی از اقشار مختلف مردم استانه‌های کرمان و خوزستان (۱۴۰۲/۱۰/۲)